



نادانی آگاهانه؛ چرا هرچه بزرگتر می‌شویم، کمتر می‌خواهیم حقیقت را بدانیم؟

پژوهش‌ها نشان می‌دهند که انسان‌ها با افزایش سن، تمایل دارند از اطلاعاتی که ممکن است احساسات منفی ایجاد کند اجتناب کنند.

زومیت: پژوهش‌ها نشان می‌دهند که انسان‌ها با افزایش سن، تمایل دارند از اطلاعاتی که ممکن است احساسات منفی ایجاد کند اجتناب کنند.

بسیاری از بزرگسالان وقتی با شرایط نامطمئن روبه‌رو می‌شوند، گاهی ترجیح می‌دهند از دنبال کردن اطلاعات صرف نظر کنند. برای مثال، ممکن است اخبار ناخوشایند را دنبال نکنند یا حساب بانکی خود را بررسی نکنند تا از اضطراب و نگرانی کوتاه مدت دوری کنند. اکنون پژوهشگران مشخص کرده‌اند که دقیقاً در چه مرحله‌ای از زندگی ما مسیر «نادانی خوشایند» را انتخاب می‌کنیم و راحتی را بر مواجهه با عدم قطعیت ترجیح می‌دهیم.

محققان دانشگاه شیکاگو توانسته‌اند سن دقیقی را مشخص کنند که در آن افراد شروع به اجتناب از اطلاعات می‌کنند. این رفتار که به آن «اثر شترمرغ» گفته می‌شود، به این معناست که فرد عمداً از دانستن چیزهایی که ممکن است باعث اضطراب یا ناراحتی شود، خودداری می‌کند. البته نام این پدیده به شترمرغ اشاره دارد، اما برخلاف باور عمومی، شترمرغ‌ها واقعاً سر خود را در شن نمی‌برند و این فقط استعاره‌ای برای اجتناب از مواجهه با واقعیت است.

جالب این است که این رفتار خیلی زودتر از آنچه فکر می‌کنیم در زندگی ظاهر می‌شود. به گزارش نیواپلس، در مجموعه‌ای آزمایش روی ۳۲۰ کودک آمریکایی ۵ تا ۱۰ ساله، مشخص شد که کودکان کوچکتر فعالانه به دنبال کسب اطلاعات بودند، اما از سن هفت سالگی، اگر پاسخ‌ها احتمال ایجاد احساس منفی داشتند، کودکان شروع به اجتناب از اطلاعات کردند.

دکتر رادیکا سانتاناگوپالان، پژوهشگر دانشگاه شیکاگو می‌پرسد: «چرا کودکان این قدر کنج‌کاو هستند، اما ما به مرور زمان به بزرگسالانی تبدیل می‌شویم که از اطلاعات اجتناب می‌کنیم؟ این گذار دقیقاً چگونه اتفاق می‌افتد؟»

پژوهشگران در نخستین آزمایش خود پنج دلیل احتمالی برای رفتار «سر در شن فرو کردن» را بررسی کردند:

اجتناب از احساسات منفی مانند اضطراب یا ناامیدی

اجتناب از اطلاعات منفی درباره محبوبیت یا شایستگی خود

جلوگیری از به چالش کشیده شدن باورها

محافظت از ترجیحات خود

عمل کردن به نفع خود، اما به گونه‌ای که دیگران آن را خودخواهانه یا خودمحورانه تصور نکنند.

در یکی از سناریوهای آزمایش، کودکان ابتدا باید درباره شیرینی‌های مورد علاقه و شیرینی‌هایی که کمتر دوست داشتند، فکر می‌کردند. سپس فرصتی به آن‌ها داده شد تا ویدئویی را تماشا کنند که نشان می‌داد هر یک از این شیرینی‌ها چگونه می‌تواند برای دندان‌هایشان مضر باشد. هدف این آزمایش بررسی تمایل کودکان به دانستن اطلاعاتی بود که ممکن است خوشایندشان نباشد یا احساسات منفی ایجاد کند. سانتاناگوپالان می‌گوید: «در حالی که کودکان کوچکتر با اشتیاق به دنبال کسب اطلاعات بودند، کودکان بزرگ‌تر شروع به اجتناب کردند. برای مثال، آن‌ها نمی‌خواستند بدانند چرا شیرینی مورد علاقه‌شان برایشان مضر است، اما مشکلی نداشتند که درباره مضرات شیرینی‌هایی که کمتر دوست داشتند اطلاعات کسب کنند.

یکی دیگر از جنبه‌های جالب رفتار اجتناب از اطلاعات، مفهوم «فضای اخلاقی» است. این پدیده زمانی رخ می‌دهد که افراد برای منافع شخصی خود از دانستن اطلاعات اجتناب می‌کنند، اما طوری عمل می‌کنند که دیگران این رفتار را خودخواهانه یا خودمحورانه تشخیص ندهند. به عبارت دیگر، افراد می‌توانند تصمیم بگیرند منافع خود را دنبال کنند، در حالی که ظاهراً به دیگران نیز توجه دارند و تصمیم‌شان عادلانه به نظر می‌رسد.

در آزمایشی، کودکان در گروه های دو نفره قرار گرفتند و با دو سطل برچسب روبه رو شدند: یکی تعداد بیشتری برچسب داشت و دیگری پوشیده بود و تعداد برچسب هایش نامشخص بود. قبل از انتخاب سطل، از آنها پرسیده شد که آیا می خواهند بدانند شریکشان چند برچسب دریافت خواهد کرد.

سانتاناکوپالان توضیح می دهد: «انسان ها تمایل دارند به نفع خود عمل کنند، اما هم زمان اهمیت زیادی برای ظاهر منصفانه بودن در نظر دیگران قائل هستند. مفهوم فضای اخلاقی این امکان را فراهم می کند که فرد بتواند هم منافع شخصی خود را حفظ کند و هم طوری رفتار کند که دیگران احساس نکنند او خودخواه است.»

در آزمایش، کودکان بزرگ تر به طور فزاینده ای از دانستن تعداد برچسب هایی که شریکشان دریافت می کرد اجتناب می کردند. این کار به آن ها اجازه می داد منافع خود را حفظ کنند و هم زمان احساس گناه ناشی از انتخاب سطلی با تعداد نامعلوم برچسب برای شریکشان را تجربه نکنند. به این ترتیب، کودکان یاد گرفتند چگونه به نفع خود تصمیم بگیرند و هم زمان ظاهر منصفانه بودن را حفظ کنند.

نتایج پژوهش نشان داد که با افزایش سن، کودکان تمایل بیشتری به اجتناب از کسب اطلاعات پیدا می کنند، به خصوص زمانی که می دانند دانستن آن اطلاعات ممکن است احساسات منفی مانند اضطراب یا ناامیدی ایجاد کند. با این حال، یک استثنا نیز وجود داشت: اطلاعات مربوط به شایستگی و عملکرد تحصیلی کودکان.

کودکان حتی زمانی که احتمال داشت نتیجه امتحانشان منفی باشد، تمایلی به دوری از کسب این اطلاعات نداشتند. پژوهشگران بر این باورند که دلیل این استثنا ممکن است تأثیر آموزش های مدرسه باشد؛ جایی که کودکان یاد می گیرند با تلاش و یادگیری می توانند مهارت ها و توانایی های خود را بهبود بخشند و نتیجه منفی فقط گام کوچکی در مسیر رشد و پیشرفت آنها محسوب می شود.

در بزرگسالی، اجتناب از اطلاعات رفتاری رایج است. افراد گاهی ترجیح می دهند از دانستن برخی اطلاعات صرف نظر کنند، زیرا مواجهه با آن ها می تواند دلهره آور باشد، باورها و عقاید دیرینه شان را به چالش بکشد یا ترس و اضطراب ناشی از عدم قطعیت ایجاد کند. این نوع اجتناب نه تنها می تواند بر زندگی شخصی فرد تأثیر بگذارد، بلکه پیامدهای اجتماعی نیز دارد. به عنوان مثال، اجتناب از اطلاعات می تواند موجب افزایش قطب بندی سیاسی شود، به این معنا که افراد دیدگاه های خود را بدون توجه به شواهد و اطلاعات مخالف تقویت می کنند. همچنین می تواند باعث سرسخت تر شدن عقاید شخصی و انعطاف ناپذیری ایدئولوژیک شود، به طوری که افراد کمتر آماده شنیدن و درک دیدگاه های متفاوت باشند. نتیجه این روند کاهش توانایی جامعه در گفت و گو، مذاکره و تفاهم است و ممکن است اختلافات اجتماعی و فرهنگی را تشدید کند.

پژوهشگران توصیه می کنند که ابتدا دلایل اجتناب از اطلاعات مفید را شناسایی کنیم و به جای فرار از آن ها، ارزش و اهمیت این دانش را درک کرده و آن را به عنوان اطلاعاتی با فایده بلندمدت ببینیم. دکتر سانتاناکوپالان توضیح می دهد: «انسان ها تمایل دارند عدم قطعیت را برطرف کنند، اما وقتی حل این عدم قطعیت تهدیدآمیز به نظر برسد، ممکن است به اجتناب روی بیاورند. یادگیری تحمل و حتی پذیرفتن بخشی از عدم قطعیت می تواند به ما کمک کند از افتادن در دام اجتناب از اطلاعات جلوگیری کنیم و تصمیمات آگاهانه تری بگیریم.»